

## بالاخره صفحه زمین بدست مردم صالح میافتد

ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذکر  
ان الارض یرثها عباد الصالحون  
(آیه ۱۰۵ سوره انبیاء)

در آیه فوق صریحاً اعلان شده است که سرانجام ، صفحه زمین بدست «بندگان صالح» خدایا میافتد و آنها وارث روی زمین میشوند ! .

این موضوع را از دو نظر میتوانیم اثبات کنیم یکی از نظر بحثهای اجتماعی و دیگری از نظر منطق دین ، با این تفاوت که وقتی روی نظریه اول بحث میکنیم باینجا میرسیم که بالاخره دنیای سرگردان سرسامانی پیدا میکند و زمانی خواهد آمد که یک مصلح بزرگ جهانی زمام امر اجتماع را بدست گیرد و آنها را صالح تربیت کند و بهمه ستمها و خلاف - کاریها و بیسامانیها خاتمه دهد اما وقتی این موضوع را از نظر دین بررسی میکنیم علاوه بر آنچه اینجا نتیجه گرفته ایم ملاحظه میکنیم که آن مصلح بزرگ ، معرفی شده و تمام علامات و مشخصات او بیان گردیده است ، بلکه او را در همین حال موجود و زنده میدانند .

### جهان بینی از نظر بحثهای اجتماعی

میدانیم که هر پدیده و حادثه‌ای مولود علت قبلی است یعنی هیچ چیز بخودی خود پیدانمیشود و هر چه موجود میشود مربوط نیک سلسله علل و اسباب است مثلاً اگر جایی سوخت میدانیم آتشی بوده و اگر آتشی خاموش شد میدانیم آبی و وی آن ریخته شده است با فهم توجه داریم که هر علتی کاری از او ساخته است که از دیگری ساخته نیست در همین مثال هیچگاه آب جایی را نیسوزاند و از آتش کار آب نیآید ، حالا میخواهیم بررسی کنیم که آیا علت اینکه اجتماع بشری کاملاً اصلاح شود و عفریت جنگهای جهانخوار بفرشته مصلح و صفا تبدیل شود و همه جهانیان بخصوص سزاملتها بانظر محبت بیکدیگر نگاه کنند ، و جای قلبها و خیانتها و جنایتها بدست عدل و انصاف بیفتد ، و بودجه‌های

هنگفت دولتها عوض صرف تهیه سلاحهای مرگبار اتمی مصرف رفاه و آسایش نوع بشر گردد آیا علت همه اینها چیست ؟

اگر تمجب نکنید علت همه اینها ، آری علت همه این خوبیها خود (۱) همین فسادها و جنگها و جنایتها است ، زیرا اکثر افراد تا وقتی سرشان بدیوار نخورد و به بن بست نیفتند متوجه نمیشوند که راهی که میروند خطاست .

علم الاجتماع میگوید : هر ملتی که قدمی بسوی تکامل برداشته اند پس از آن است که قدمی از آنها لایزیده و موزه آنرا چشیده اند هر انقلاب و نهضت صحیحی که در اجتماعها پیدا شده نتیجه فشارها و ناراحتیهای است که بر آنها حکومت داشته است فی المثل متار که جنگهای بین المللی و قراردادهای صلح پس از آنهمه جنگهای دنیا سوز و تلفات جانی و مالی است .

و همینطور تشکیل (انجمن تسلیحات اخلاقی) پس از شیوع این همه مفاسد اخلاق است اینک میگویم اینهمه درد های بی درمان فردی و اجتماعی که بر جامعه امروز حکومت میکند ؛ و این همه دنبال شهوات رفتنها که عرضها و ناموشهارا بیاد میدهد ، و بالاخره این جنایتها و پامال شدن حقوق و غرور سران ملتها سرانجام بشر خیره سردا بیدار میکند و آنگاه که آثار شوم آنها دامنگیر همه شد کم کم بخود میآیند و حس يك خستگی عمیق میکنند در همان وقت است که تشنه يك مصلح مقتدر صحیح العملند که آنها را از فلاکت نجات دهد و قهراً مانند دملی که رسیده و جراح بیشتری باومیزند و کثافات او را بگیرد مصلح بزرگی پیدا خواهد شد و بآن وضع نکبت بار خاتمه خواهد داد و مردم با کمال رغبت تبعیت از او خواهند نمود خوب است دنبال ریشه را بدست یکی از بزرگترین دانشمندان صلح طلب دنیای غرب بپساریم و از زبان او بشنویم :

برتر اند راسل چه میگوید ؟

قبلا این دو سه جمله را که اخیراً اعلی بیانیه ای ابراز داشته است ملاحظه فرمایید (۲) «دنیای ما امروز بایزرگترین بهرانه های تاریخ رو بر و راست و يك چنین بهرانی از زمان حضرت نوح تا کون سابقه نداشته است در طی این بهران بشریت میخواهد خود را بدست خویش نابود

(۱) اشتباه نشود نمیخواهیم بگویم باید عمداً بد شد تا خوب شویم میگویم اگر اجتماع از عوامل تربیت استفاده نکرد و خوب نشد (همانطور که اکثر چنینند) آنگاه خود همان مفاسد پایه اصلاحات میشود (۲) مجله ماهانه نوردانش شماره ۲-

سازد» حالا این عقیده و راهم از نظر بگذرانید «اینکه موقع (۱) قیام مصلح بزرگ که اوضاع آشفته جهان را با نیروی الهی سر و سامان دهد و دنیا را از این ورطه هولناک نجات بخشد فراموشیدماست» .

### چه پیش آمده‌ها رخ خواهد داد؟

پیش از آن که موضوع محل بحث «زمین بدست بندگان صالح میافتد» را از نظر دین بحث کنیم برای اینکه وضع آینده جهان خوب در برابرمان مجسم شود مفاسدی را که قبل از ظهور مصلح بزرگ الهی بر مردم حکومت میکنند در نظر میگیریم این مفاسد را از نظر روایات که خود جنبه پیشگویی دارد بررسی میکنیم :

بطور کلی روایاتی که در این خصوص رسیده دو قسمت است قسمتی آنها را بطور اجمال بیان میکند و قسمت دیگر دانه دانه آنها را شرح میدهد قسمت اول آنها این است که بدین مضمون «یملأ الارض قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و جورا» (۳) یعنی «در سراسر زمین پرچم عدل را باهتزاز میآورد همانطور که قبلا پر از ظلم و ستم شده است» وارد شده است . اما قسمت دوم روایات بسیاری است که برای نمونه موارد ذیل را از آنها انتخاب کرده ایم شمای خواننده محترم خوب فکر کنید و وضع ملتی را که باین حال سیاه افتاده باشند در برابر خود مجسم کنید :

- ۱ - زمامداران آنها (۳) بدکار و رذیلترین افراد میگردند ۲ - و در راه استعمار میشوند
- ۳ - قضاة از فرمان خدا سرپیچی میکنند ۴ - دانشمندان آنها خائن میگردند
- ۵ - بی خردان کار فرما میشوند ۶ - زنها در امور سیاسی شرکت میکنند ۷ - پول دارها و باخوار میگردند ۸ - قمار آشکار میشود ۹ - شراب فروشی علنی میگردد ۱۰ - گواهی ددوغ مقبول و گواهی راست مردود میشود ۱۱ - قتل و جنایت امر عادی محسوب میگردد ۱۲ - انحراف جنسی فراوان خواهد شد ۱۳ - فرزندان غیر مشروع بی اندازه بوجود میآیند .
- ۱۴ - زنها مسلط بر شوهرها میشوند ۱۵ - آمار طلاق و حشمتناک میگردد ۱۶ - از چار عمومی از یکدیگر پدید میآید ۱۷ - مناظر شهوت انگیز بیش از حد شایع میشود ۱۸ دعوت براه راست نسبتا صفر ۱۹ - تبلیغ بر فجایع بیشمار میگردد ۲۰ - بالاخره مردم مانند گرگهای خونخوار میشوند .

(۱) مجله ماهانه نور دانش شماره ۲

(۲) الهدی ۲۰۶ و ۲۰۷ .

(۳) از الهدی و سفینه البحار و منتخب الأثر اقتباس شده است

عجبا ؛ کار انحصاط اجتماع بکجا میرسد ، و گل سرسید موجودات بادست خود درجه لجزاری فرو میرود . بار دیگر این تابلوی مهیب را که دورنمایی از آن اجتماع کثیف است از نظر بگذرانید .

### اکنون نوبه دین رسیده

اکنون نوبه دین است که بانوید جان بخشی افسردگان بیدار گوشه و کنار اجتماع راحیاتی بخشد و روح امید را بانوای شیرین «اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها سوره حدید آیه ۱۶ بدانید که بطور حتم خداوند زمین را که در اثر مرگ عدالت گورستانی شده است بگلستان عدل تبدیل میکند» در آنها بدمد (۱) و با نغمه «ان الارض یرثها عبادی الصالحون آیه ۱۰۵ انبیاء ، سر انجام صفحه زمین نصیب بندگان صالح من خواهد شد» دل آنها را به پیودن راه راست گرم نگه دارد .

از نظر امام پنجم علیه السلام (۲) این آیه منطبق بر حکومت « مهدی موعود » علیه السلام است و پرچمدار این نهضت جهانی ؛ آن سرور است و بندگان صالح باران آنحضرتند .

مژده ای دل که مسیحا نفسی میآید	که ذانفاس خوشش بوی کسی میآید
ازغم و درد ممکن ناله و فریاد که دوش	زده ام فالی و فریاد رسی میآید
کس ندانست که منز لگه مقصود کجا است	آنقدر هست که بانگ جرسی میآید

### نتیجه

از گذشته بدست آمد که مسئله پیدایش يك مصلح جهانی یا تعبیر دین ظهور «مهدی موعود» علیه السلام يك امر ضروری اجتماعی است .

### حب جاه

بر واضح است که آنشخص مقتدری که دنیای سرگردان را سروسامانی می بخشد و در پرتو روح بزرگش میتواند يك حزب جهانی بنام «حزب الله» تشکیل دهد ، تباچه اندازه محبوبیت و رفعت شأن پیدا میکند از آنطرف هم میدانیم در اجتماع بشری عشاق ریاست کم نیستند و مردمی میشناسیم که حاضرند همه چیز را فدای يك ریاست بوج کنند ؛ روی همین حساب از اول تمام حدود و مشخصات «مهدی موعود» علیه السلام معرفی شده تا

( ۱ ) بخار بنقل از غیبت شیخ طوسی از ابن عباس آیه را منطبق بر ظهور حضرت

مهدی دانسته است .

( ۲ ) مجمع البیان ذیل آیه کریمه ج ۷ ص ۶۶ .

برای همیشه طبل رسوائی «مدعیان مهدویت» کوبیده شده باشد و انتضاحشان بر ملا و آفتابی باشد .

### حربه‌های زنگ‌زده

یاوه سرایانی که بهر موضوع بر خوردند و با فکر کوتاه آنها سازش نداشت شروع یاوه گویی میکنند در این مورد نیز ساکت نمی‌نشینند :

- ۱- میگویند مگر ممکن است بشری بیش از هزار (۱) سال عمر کند .
- ۲- میگویند عقیده انتظار فرج موجب شده است که جامعه شیعه فعالیت حیاتی نداشته باشد ، و در برابر هر پیش آمد سوئی بجملة «انشاء الله امام زمان میآید اصلاح میکنند» قناعت کنند و بسوی اصلاح قدمی بر ندارد این حرفهای آنها .

### پاسخ شبهه اول

پاسخ این شبهه را میتوان در شماره دوم سال دوم همین مجله مطالعه فرمائید، ولی برای خالی نبودن عریضه خاطر شما را بسوی این مقاله عجیب جلب میکنیم :

«از ابتدای خلقت تا حالا بشر از هیچ چیز باندازه مرگ نرسیده است همه ما مرگ را امری طبیعی و قطعی میدانیم همه فکر میکنیم که مرده را نمیتوان زنده کرد اما دانشمندان و پزشکان سال ۱۹۶۱ دیگر چنین نمی‌اندیشند آنها حتی میگویند که تعریف قانونی و قضائی مرگ باید عوض شود زیرا مردن و مرده در سال ۱۹۶۱ دیگر آن معنی را ندارد که در سال ۱۹۰۱ داشت .

بدن ترتیب عده‌ای از مشهورترین پزشکان جهان يك مکتب (طب جدید) باز کرده‌اند که بدون شك انقلابی‌ترین مکتب علمی قرن بیستم است برای این پزشکان «مرگ» فقط يك «بیماری» است و با داروها و شیوه‌های معالجه تازه‌ای میتوان این بیماری را از بین برد . . . میتوان بر مرگ غلبه کرد . کدام داروها و کدام معالجه ؟ .

مقاله زیر شمارا با جواب این سؤال هیجان انگیز آشنا میکند آیا میتوان بر مرگ غلبه کرد ؟ چگونه ؟ سپس ضمن مقاله مفصلی موضوع فوق را توضیح میدهد .

با این حساب این آقایان باید متوجه باشند که فاصله بین میدانم و نیست بیش از هزار فرسنگ است . تازه اینها با قطع نظر از توانائی آفریدگار جهان است و الا با در نظر گرفتن قدرت بی‌پایان او حساب روشن تر از اینها است .

## پاسخ شبهه دوم

بیطرفانه مورد استعمال کلمه «انتظار فرج» را باید مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم تا به بینیم «انتظار فرج» ملازم با آنچه گفته شده میباشد یا نه ؟:

واژه «انتظار فرج» را معمولاً در موردی استعمال میکنیم که نسبت بموضوعی کمال اشتیاق داشته باشیم و آنچه برای رسیدن باو از دستمان میآمده انجام داده ایم اما کارمان به بن بست رسیده که بیچاره شده ایم و نمیتوانیم پیش برویم ، اینجا است که میگوییم در «انتظار فرج» هستیم اما اگر کاری گزیده نداشته باشد و صرفاً تنبلی و بیحالی مانع از تحقق او باشد اینجا بکار بردن انتظار فرج صد در صد غلط است مثل اینکه کسی سخت تشنه باشد و آب گوارد هم نزدیک او باشد و هیچ مانعی از برداشتن و آشامیدن نداشته باشد اما از آن آب استفاده نکند و بگوید «انتظار» دارم که دلسوزی این آب را بکامم بریزد ! آیا باور نمیکنند ؟ از اینجا بدست آمد که «انتظار فرج» همیشه با حالت آماده باش همراه است و این خود یک برنامه تربیتی است .

## اینهم سند افتخار

این دعاء «ندبه» بهترین شاهد گفتار ماست در این دعا با حالت تضرع درخواست يك حکومت صالحه جهانی که اجراء کامل برنامه های قرآن کریم و بران نمون شالوده های ظلم و بیادگری و گسترش عدل و داد ، و معوج بودیت در برابر شهوت و هوای نفس و گستن پیوندهای دروغ و تزویر و بالاخره تشکیل یک جهان خدا پرستی جزء برنامه های اصلاحی او باشد ، میشود .

و پرواضح است که با دست روی هم گذاردن و بسوی اصلاح قدمی پیش نرفتن آنگاه طالب چنین حکومت صالحه بودن درست همان «کوسه وریش پهن» است ، و همان طور که دانسته شد استعمال «انتظار فرج» در این صورت اصلاً غلط است .

ضمناً سند رشد فکری « شیعه » از صد ها سال پیش بدست آمده و حقاً میتوان با این طرز تفکر بر دنیا افتخار نمود .

اکنون این مقاله را با این بیت که منسوب بامام صادق (ع) است خاتمه میدهیم :

لكل اناس دولة یرقبونها ✽ و دولتنا فی آخر الدهر تظہر

یعنی هر مردمی دولتی دارند که چشم بر اهش هستند و دولت ما در آخر الزمان

بدیده میآید . . . در انتظار آنروز